

## بزهکاری زنان و روسپیگری در جامعه ایرانی

مینا رستمی<sup>۱\*</sup>

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نسوج، ایران

\*نویسنده مخاطب: مینا رستمی، [minarostami.law@gmail.com](mailto:minarostami.law@gmail.com)

### چکیده

بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های اجتماعی مختلف به شکل های متفاوتی دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می شود. با ورود به حیطه ی علت شناسی جرایم، می توان تفکیکی منطقی میان جرایم زنان و مردان یافت. در سراسر جهان بررسی جرایم ارتكابی زنان و مردان مبین وجود رابطه ی مسلم میان این جرایم و نقش جنسیتی مرتکبان آن است. زنان در خانواده و جامعه نقشی مهم و اساسی دارند و لذا اگر این طبقه از جامعه دچار تزلزل و انحراف شوند، کل جامعه تهدید و ملتهب خواهد شد. در این مطالعه با توجه ضرورت این موضوع سعی شده تا نگاهی ویژه به بزهکاری و روسپیگری در زنان جامعه ایرانی صورت پذیرد.

واژه های کلیدی: روسپیگری، بزهکاری، جرم

## مقدمه

روسپی‌گری، تن‌فروشی یا فحشا، به تجارت یا پیشه آمیزش جنسی طبیعی یا غیرطبیعی در قبال درآمد و یا برخی دیگر منافع گویند که گاهی اوقات با عنوان سکس تجاری (commercial sex) نیز مطرح می‌شود. پس از جنگ جهانی اول اصطلاح قدیمی‌ترین حرفه در جهان به طور عمومی به روسپی‌گری اشاره دارد. روسپیگری به عنوان یک جرم علیه کرامت انسانی فرد مطرح است. در پدیده روسپیگری (خودفروشی) مقام انسان به یک شیء که ما به ازای مادی دارد تنزل می‌یابد. کاربردهای فرهنگی این واژه به شکل نامحدودی متفاوت است، و استفاده از آن به عنوان واژه‌ای تحقیرآمیز برای اشاره به فعالیت‌هایی استفاده می‌شود که به شکل رسمی روسپی‌گری نیستند. این اصطلاح در برخی جوامع به شکل بی‌ربط برای نشان دادن کسی که درگیر فعالیت‌های جنسی خارج از هنجارهای آن جامعه است، مثل بی‌بند و باری جنسی یا روابط بیرون از ازدواج حتی ازدواج سفید به کار برده می‌شود. به کسی که در هر بخش از این پیشه کار می‌کند می‌گویند کارگر جنسی. روسپی‌گری یکی از شاخه‌های صنعت سکس (یا تجارت جنسی) است. در کشورهای متفاوت و در برخی از کشورها در مناطق متفاوت از یک کشور، وضعیت قانونی تن‌فروشی از مجازات مرگ تا مجاز اما کنترل نشده تحت قانون و تا یک تجارت سازمان یافته کنترل شده و قانونی متغیر است. زنان عصر حاضر بیش از زنان دیگر اعصاب از چهارچوب خانه خارج شده، آزادی بیشتری پیدا کرده و همچنین در معرض آسیب‌های بسیار واقع شده‌اند. با نگاهی به زندان و بازداشتگاه زنان می‌توان پی برد که عده‌ای از آنان به جرگه بزهکاران و مجرمان پیوسته‌اند که عامل بسیاری در این امر دخیل‌اند. تحقیق حاضر به دنبال بررسی این مسئله بزهکاری و روسپیگری زنان در جامعه ایرانی می‌باشد.

## اهمیت موضوع بزهکاری زنان

در حقوق بشر تاکید بسیاری بر برابری انسان‌ها صرف نظر از جنسیتشان شده است. جنس نمی‌بایست موجب تنزل یا ارتقای مقام و منزلت یک فرد گردد. در حقوق کیفری ما که از فقه جزایی گرفته شده است، در امر شهادت، در بزه دیدگی و بهکاری برخی جرایم زنان با مردان حقوق برابر ندارند. در کشور ما به رغم وجود موانع ساختاری، تضعیف تحصیلات زنان و حضور آنان در مشاغل تغییر یافته است. زنان استقلال مالی پیدا نموده و از جایگاه اجتماعی برخوردار شده‌اند. لذا با این سیل تغییرات که از دهه‌های

گذشته در کشورهای جهان و خصوصاً کشور ما در حال رخ دادن است، بررسی مسئله ی روسپیگری زنان در چهارچوب یک تحقیق جامع امری ضروری به نظر می رسد.

## رویکردهای مختلف نسبت به بزهکاری زنان

رویکردهای مختلف نسبت به بزهکاری زنان را می توان در دو گروه قرتپار داد :

۱. رویکردهای سنتی نسبت به بزهکاری زنان که از زاویه علت شناسی و با یک نگرش بالینی به بررسی موضوع پرداخته شده است. رویکردهای زیست شناختی، روانشناختی و جامعه شناختی راجع به بزهکاری زنان ابعاد مختلف رویکرد سنتی به این مسئله می باشند.
۲. رویکرد انتقادی در تحلیل بزهکاری زنان، که شامل بررسی موضوع از زاویه واکنش اجتماعی می باشد به مطالعه مجازات، رفتار و رویه قضایی می پردازد و جرم را محصول قانون و قانونگذار و عملکرد نهادهای مختلف عدالت کیفری می داند.

## تاریخچه

از نظر تاریخ جرم شناسی اولین کتاب در این زمینه ۲۰ سال بعد از کتاب انسان بزهکار لومبروزو (منشور جرم شناسی) نوشته شد. تن فروشی گاهی اوقات «قدیمی ترین حرفه دنیا» شناخته می شود. رقیقه ها و فاحشه ها جزء قشرهای فرهیخته در فرانسه ی قرن هجدهم محسوب می شدند. در حالی که بسیاری از مردان آن زمان از سواد خواندن و نوشتن نیز محروم بودند، زن های فاحشه و معشوقه به دلیل همجواری با درباریان و اشراف زادگان، مجبور بودند علاوه بر فراگیری سواد خواندن و نوشتن، تحصیلات متفرقه ای نظیر ادبیات، تاریخ، شعر و فلسفه را فرا بگیرند. به همین دلیل آنها مجاز بودند در تمام کالج ها و کتابخانه های سلطنتی حضور پیدا کنند. امروزه پیشرفت های زیستی روانی و جامعه شناختی سبب شده که فیزیولوژی زن دستخوش تغییر گردد. برای مثال مباح کردن سقط جنین، امکان لقاح مصنوعی، اجاره رحم و خرید و فروش اوول و نطفه که تحولی عظیم در زمینه پزشکی می باشد.

## تاریخچه روسپیگری در ایران

در اواخر حکومت احمد شاه قاجار محله ای به نام محله قجرهای تهران وجود داشت که به جهت احداث دروازه قزوین، «دروازه» نامیده می شد. محمود عرب علاوه بر قواد، چندین شیره کش خانه بزرگ هم در این محل دایر کرد که به پاتوق شیره ای های تهران تبدیل گردید و هنوز هم پس از گذشت هفتاد و چند سال در پیاده روهای آن افراد معتاد را که خاطره ای تلخ از آن روزگاران سیاه است می توان دید. محلی که در آن چند خانه متعلق به محمود عرب قرار داشت به گذر «حاج عبدالحمود» معروف گشت. در اوایل حکومت رضاشاه اداره امور این محل به عهده شخصی به نام «زال ممد» قرار گرفت که به واسطه ایادی خود، زنان و دختران اطراف و اکناف را یا فریب می داد یا می ربود و به این محل می آورد و در اختیار افراد خوشگذران می گذاشت .

کمی پس از آن رضا شاه، به منظور جلوگیری از شیوع بیماری «سفلیس» دستور جمع آوری فواحش و تخریب زاغه ها و آونک های گذر حاج عبدالحمود را صادر کرد و شخصی به نام قوام را مأمور بازسازی آن نمود. شخص زرتشتی ای به نام ارباب جمشید که از پارسیان هند و از تجار مقیم این کشور بود، هزینه احداث ده ها خانه به منظور اسکان زنان فریب خورده و بی سرپرست را قبول نمود و به منظور تأمین مخارج آنان و فرزندانشان ده ها باب مغازه نیز در این منطقه احداث کرد تا از گرویدن مجددشان به راه خطا جلوگیری شود. با نوسازی محله، تجارت سکس رونق تازه ای یافت و به پاس قدردانی از ارباب جمشید، به "محله جمشید" نامگذاری شد که تا بعد از پیروزی انقلاب پابرجا بود. احداث خانه های جدید، وسیع و آسفالت دو خیابان جدید باعث شد که اسم «شهر نو» را هم روی آن گذاشتند و به پاس زحمات قوام، یکی از خیابان های محله بدنام را به نام وی نام گذاری کردند.

در زمان جنگ جهانی دوم که این محله بدنام پاتوق عیاشی سربازان امریکایی و انگلیسی بود، آنان تعدادی از زنان جنگ زده لهستانی که مانند سایر آوارگان جنگی در میدان ژاله سابق اقامت داشتند را به شهر نو آوردند تا بزم شان کامل گردد. همچنین در انتهای خیابان دوم شهر نو کوچه ای به نام کوچه لهستانی ها شهرت یافت. این محله ۱۳۵ هزار متر مربع مساحت داشت و با توجه به میزان آلودگی به دو قسمت اصلی و فرعی تقسیم می شد؛ قسمت اصلی شامل خیابان های کمیل، استخر، قنات و قوام بود که دارای ۳۶ کوچه و در هر کوچه ۵۰-۳۰ خانه وجود داشت که در هر خانه چندین خانواده توأمان زندگی می کردند که بعضاً در یک اتاق چند مرد و زن می زیستند و دارای فرزندان نامشروعی نیز می شدند که آنان نیز در همان اتاق به سر می بردند و در آینده،

خود روسپی، قاچاقچی مواد مخدر، دزد و ... می شدند. محله جمشید از نگاهی دیگر به دو بخش قلعه و نجیب‌خانه تقسیم می شد که در واقع، قلعه محل کار و نجیب‌خانه محل زندگی عادی و زناشویی روسپی ها بوده است که درجه فساد در آن نزدیک به صفر بود. ده ها تئاتر و تماشاخانه و کافه در خیابان جمشید و داخل شهر نو و خیابان های سی متری احداث و دو سینما نیز در حوالی آن شروع به کار کردند. مافیای شهر نو متشکل از سردسته های عمده قلعه، قاچاقچیان بزرگ و رؤسای شهربانی شاه اداره امور این منطقه را در دست داشتند. دامنه فساد وضعیت قلعه شهر نو به تدریج به سطح شهر تهران کشیده شد و علاوه بر دایر شدن خانه های تلفنی، در کنار خیابان های اصلی و حتی فرعی شهر نیز روسپیان به چانه زنی با مشتریان مشغول بودند. در کنار برخی از هتل هایی که محل تردد خارجیان و متمکنین بود وضع بدتر هم بود و عموماً دختران کم سن و سال مشاهده می شدند. وجود کاباره ها نیز به روسپیگری دامن می زد. رژیم به راحتی به برپا کنندگان مراکز فساد و فحشا جواز رسمی می داد و در اکثر خیابان های تهران و شهرهای بزرگ «بار»ها شبانه فعالیت می کردند که در آنها زنان روسپی به خود فروشی می پرداختند؛ این مراکز، گروهی از زنان و دختران را در اختیار داشتند تا پس از مستی مشتریان به آنان خدمت رسانی کنند! نهاد قانونگذاری نیز با موافقت نسبت به صدور کارت های مجوز کار برای زنان و دختران، به روسپیگری مشروعیت می بخشید .

دامنه و گستره روسپیگری و فحشا به طرز جنون آمیزی رو به فزونی بود تا آنجا که علاوه بر موارد ذکر شده، به سبک کشورهای غربی هتل عشق تأسیس شد که به زنان روسپی یا مردان عیاش اجازه داده می شد که به طور آزادانه هر کاری می خواهند انجام دهند و به زوج های نامحرم نیز بدون هیچ منعی اتاق اجاره می دادند. راه های فریب و به دام انداختن دختران بسیار متفاوت بود. اما متداول ترین شیوه ها عبارت بود از: استقرار در ترمینال ها و فرودگاه ها با ماشین های مدل بالا و چهره ای متشخص و وجیه همراه با چرب زبانی، آشنایی در مهمانی های شبانه و تفریح گاه ها، تحویل به مراکز فساد توسط رانندگان تاکسی و سواری شخصی، تحویل به سردسته ها توسط شوهران لالابالی، رفتن به دهات دور افتاده و شهرستان ها تحت عنوان خواستگار و ... این سوداگران تباهی جهت محکم کاری از قربانیان خود سفته های به عنوان ضمانت دریافت می کردند تا مبادا فرار کنند و نهادهای اجرای قانون مانند کلانتری نیز به نفع این زورگویان حکم می کردند.

سردمداران شهر نو به شهر تهران نیز قانع نبودند و به تأسیس فاحشه خانه هایی در شهرهای مختلف کشور اقدام کردند و بدین سان فحشا و روسپیگری را رونق بیشتری بخشیدند. حامیان وقت حقوق زن نیز سعی در تحت نظارت در آوردن این اماکن



فساد می نمودند، از این روی اداره اماکن شهربانی رژیم گذشته از فاحشه خانه ها آمارگیری کرده و آنها را در ردیف محل های کسب قرار داده بود، شهرداری نیز برای مغازه ها و تماشاخانه های محله شهرنو جواز کسب صادر و به آنها خدمات شهری ارائه می داد. هنگامی که «مهناز افخمی» مشاور نخست وزیری در امور زنان شد به جای این که در صدد تعطیلی این مراکز فساد باشد، از وزارت بهداشتی درخواست نمود تا به روسپیان و فرزندانشان خدمات بهداشتی ارائه شود و نیز مقرر کرد در محله جمشید مهدکودکی جهت نگهداری فرزندان نامشروع و خردسال فاحشه ها احداث گردد تا در طول روز که مادرانشان به اعمال منافی عفت سرگرم هستند، از این اطفال معصوم نگهداری شود. ارتباط سردمداران شهر نو با عوامل حکومتی به جهت بالا بودن آمار جرم و جنایت، دو پاسگاه انتظامی یکی در خیابان جمشید و دیگری سی متری (پایین تر از میدان قزوین) احداث شد که خود موجب تشدید فساد شد و رؤسای کلانتری و مأموران با حق حسابی که از فواحش، قوادها و اوباش می گرفتند به حمایت از آنها برمی خاستند. این ارتباط آن چنان صمیمی ادامه یافت که سرلشگر زاهدی در جریان کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ آنان را به طرفداری از شاه به خیابان های تهران کشاند. زاهدی که در فساد و زن باره گی شهره بود از طریق زنان سردمدار قلعه به مطامع خود رسید، برخی از مهمترین آنان عبارت بودند از :

۱. ملکه اعتضادی، با شخص شاه و علیرضا پهلوی ارتباط داشت و وسائل عیش و نوش آنان را فراهم می کرد .
۲. پری آژدان قزی، دختر یک مأمور بازنشسته شهربانی بود که از بی حیایی و دریدگی ضرب المثل شده بود و حتی اوباش قلعه هم از او حساب می بردند .

این دو نفر شهرت و ثروتشان آن قدر زیاد شده بود که در مهمانی های رسمی باشگاه افسران نیز دعوت می شدند؛ حتی «پری آژدان قزی» کارت ویزیت چاپ کرد و پشت آن سفارش استخدام یا معافیت از سربازی اشخاص را صادر می کرد. این دو تن عضو ستاد کودتای ۲۸ مرداد بودند و سردستگی فواحش و اوباش شهر نو را در کودتا به عهده داشتند. پس از پیروزی کودتای ننگین، سرلشگر زاهدی به پاس خدمات آنان، دستور داد تا دور تا دور شهر نو را دیوار کشیده و پاسگاه ها را نیز به بیرون قلعه منتقل نمایند و در واقع نوعی خودمختاری به آن اعطا کردند، اگرچه بعدها دایره فساد به بیرون از قلعه و خیابان های اطراف گسترش یافت پس از آن شهر نو نام جدیدی نیز به خود گرفت و آن چیزی جز «قلعه» نبود.

۳. سیمین ب ام و، وی با برخی مقامات بالای کشور از جمله سناتور رضایی رابطه داشت و برای ایشان قوادی می کرد. روش وی برای به دام انداختن دختران معصوم، آشنایی با آنان و طرح دوستی در پارتی ها بود.
۴. پری بلنده، وی با اداره تشریفات نخست وزیری و وزارت امور خارجه همکاری داشت و به کار قوادی از راه های فوق اقدام می نمود.
۵. «اشرف چهار چشم» و «شهلا آبادانی»، در خانه های آنان همواره دختران تازه وارد و کم سن و سال حضور داشتند.
۶. پری سیاه، او رقیب «پری بلنده» بود و مالک شش خانه بزرگ فحشا بود که آنها را اداره می کرد .
۷. مژگان سوخته، از قوادین قدیمی بود و خاطرات زیادی از علیرضا پهلوی داشت، ده ها زن فریب خورده تحت استثمار وی بودند .
۸. شیرین سلطانی، معروف به «ناهید» که همواره خود را مسلمان می خواند، ولی پس از دستگیری بعد از انقلاب معلوم شد که ارمنی بوده است .
۹. منیژه کچل، وی خود را فامیل فرح دیبا معرفی می کرد و نفوذ زیادی در دستگاه های دولتی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارگان های انقلابی با تشکیل شورای جهت پاک کردن این لکه ننگ از چهره تهران و نجات قربانیان، اقدام به جمع آوری زنان فریب خورده و اسکان آنان در مجتمع های تربیتی و پرورشی نمودند و این محله فساد را نیز تخریب کردند و «پری بلنده»، «اشرف چهار چشم» و «شهلا آبادانی» به دار مجازات آویخته شدند.

### خشونت در تن فروشی

در بسیاری از موارد تن فروشان قربانی خشونت جسمی نیز می شوند و از سوی مشتری مورد ضرب و شتم و آزار جسمی هم قرار می گیرند و حتی به قتل می رسند. موارد خشونت علیه روسپی از سوی غیر مشتریان هم وجود دارد. مثلاً هدف از اعمال خشونت می تواند به چنگ آوردن پولی باشد که روسپی با خویش حمل می کند.

### اعتیاد و تن فروشی

رابطه‌ای معنی‌داری میان اعتیاد و تن‌فروشی وجود دارد. در ایران در بیشتر موارد شریک زندگی این افراد و خودشان معتاد به مواد مخدر هستند. نیاز به تأمین هر روزه این مواد نیز بر فقر و نیاز مالی آنان می‌افزاید. روسپیان برای تحمل افسردگی و شرایط سخت این کار اغلب به مواد مخدر و روان‌گردان پناه می‌برند. اداره‌کنندگان روسپی‌خانه‌ها در اولین اقدام، افراد تازه و اصطلاحاً دختران فراری را معتاد می‌کنند تا آنان را وابسته و مطیع سازند.

### ایدز و تن‌فروشی

بین نرخ تن‌فروشی و بیماری ایدز رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. در بسیاری موارد، مشتری‌های افرادی که تن‌فروشی می‌کنند، به خاطر ارضای جنسی بیشتر، تمایلی به استفاده از کاندوم ندارند و در صورت اصرار زن تن‌فروش برای استفاده از کاندوم، رقم دریافتی شان از مردان بسیار ناچیز خواهد بود پس اکثر آنان به آمیزش جنسی بدون کاندوم راضی می‌شوند. همچنین مشتریان در صورت استفاده از کاندوم نیز اگر در حین آمیزش جنسی، کاندوم سوراخ یا پاره شود، حاضر به عوض کردن آن نمی‌شوند. توریست‌ها نیز، اگر خود مبتلا به ایدز نبوند بعد از همخوابگی با این تن‌فروشان، به خصوص اگر بدون استفاده از کاندوم باشد، ویروس اچ‌آی‌وی را به خانه‌هایشان خواهند برد.

### قاچاق انسان برای سکس

از قاچاق انسان برای سکس به عنوان برده‌داری نوین، برده‌داری جنسی و برده‌داری سفید نیز یاد می‌شود. توجه بسیاری به سوی فروش انسان جلب شده است، که ارقام آن بین ۶۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار تخمین زده می‌شود؛ ۸۰ درصد این افراد زنان و دخترانی هستند که هر ساله در کشورهای مختلف به فروش می‌رسند و در بسیاری موارد به تن‌فروشی، یا همچون بردگان، به اشتغال در کارهای پست وادار می‌شوند. فعالان حقوق بشر گزارش می‌دهند که هزاران زن و دختر فقیر هر ساله پس از آن که با فریب و وعده‌های کاذب شغل و ازدواج، از روستاها به شهرها آورده می‌شوند، وادار به تن‌فروشی می‌گردند. در برخی موارد، والدین مستقیماً دختر خود را می‌فروشند. اختفای این تجارت زیرزمینی، ردیابی آن را دشوار می‌سازد. ارقام فوق شامل قربانیانی نمی‌شود که در کشور خود به فروش می‌رسند، مشکلی که مدت‌هاست برای مثال هند را فرا گرفته است، کشوری بزرگ و آن اندازه متنوع که



قاچاقچیان بتوانند قربانیان خود را از محلی به محل دیگری ببرند؛ به محلی صدها کیلومتر دورتر، با زبانی دیگر و شانس ناچیزی که بتوانند به خانه خود بازگردند. قاچاقچیان نیز به ندرت دستگیر می‌شوند.

### کاهش سن روسپیگری در ایران: ۱۲ تا ۱۸ سال

در حال حاضر سن روسپی‌گری در ایران حدود ۸-۱۰ سال کاهش یافته و از سن ۲۰ تا ۳۰ سال به ۱۲ تا ۱۸ سال رسیده است. او البته این کاهش سن را مربوط به افزایش برخی آسیب‌های اجتماعی نظیر افزایش طلاق، تنوع طلبی مرد ها، عدم امکان ازدواج، اعتیاد، بیکاری و ... می‌داند .

### عوامل مؤثر بر روسپیگری زنان در ایران

روسپیگری یا به عبارتی تن فروشی ، آسیبی است که جامعه ایران به شکل غریبی با آن دست و پنجه نرم می‌کند . در دهه هفتاد به دلیل تحولاتی که در عرصه سیاست و اقتصاد پیش آمد مسائل فرهنگی و اجتماعی جایگاه کمتری در بین صاحب‌نظران و دولتمردان به خود اختصاص داد به طوریکه در مورد آسیب‌های اجتماعی ، نه تنها صاحب‌نظران جامعه شناسی هیچ نمی‌گفتند بلکه مسئولان ذی ربط نیز سعی می‌کردند وجود این پدیده را در جامعه ارزش‌گرای ایرانی فراموش کنند . تا اینکه در سال ۱۳۸۰ با پرده برداشتن از وقوع قتل‌های سریالی زنان آسیب دیده در مشهد ، بحث "زنان خیابانی" در مطبوعات و حتی صدا و سیما رنگ بیشتری به خود گرفت. تا آن زمان حتی برای نامیدن این زنان که دچار فساد اخلاقی بودند ، واژه دقیق و درست بیان نشده بود . " زنان ویژه" از واژه‌هایی بود که پس از جریان قتل‌های عنکبوتی در ادبیات شخصیت‌های سیاسی نمود پیدا کرد . " زنان آسیب دیده" نیز از سوی مسئولان توانبخشی و آسیب‌های اجتماعی مطرح شد. و بدین ترتیب توجه به مسائل زنان خیابانی و دختران فراری تا حدودی اهمیت پیدا کرد.

در بروز این پدیده اگر ما تمام علل ، یعنی علل اقتصادی ، اجتماعی و روانی را مورد توجه قرار دهیم با یک نگاه حلقوی و سیستماتیک می‌توانیم از تاثیر هر یک از آنها بر این پدیده سخن به میان آوریم . نظریه فشار ساختاری ، رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند که بعضی از مردم را وادار به کجروی می‌کند . تعبیر ساده این نظریه در یک ضرب‌المثل معروف

آمده است که فقر باعث جرم می شود ، به موجب این ضرب المثل وجود فراوان فقر در یک ساختار اجتماعی فشار هایی را برای بروز انواع خاصی از کجروی فراهم می سازد. در جامعه ای که شب و روز از بیکاری سخن می گویند ، گسترده شدن این پدیده دور از ذهن نیست. البته گروهی نیز بین افزایش روسپیان یک جامعه با رفاه آن رابطه مستقیم قائل هستند . برخی از زنان علیرغم برخورداری از امتیازات ویژه خانوادگی در تکاپوی دستیابی به آنچه خود رفاه بیشتر می نامند به این کار تن می دهند. دورکیم ، بحران اقتصادی ( چه در جهت پیشرفت و یا کاهش ) را یکی از علل مهم کجروی در جامعه می داند . او معتقد است در شرایط اجتماعی پایدار و مستحکم آرزو ها و اهداف انسانها از طریق هنجارها تنظیم می شوند با بروز بحران ، هنجارها دچار از هم پاشیدگی می گردند که این وضعیت آرزوهای بی قاعده و بی حد و حصر بوجود می آورد . از آنجایی که این آرزو های بی حد نمی توانند اشباع شوند در نتیجه یک نارضایتی اجتماعی دائم بوجود می آید، این نارضایتی در جریان های منفی و با واکنش های منفی خود را نشان می دهد (خودکشی ، قتل ، طلاق ، فحشا).

کوئینگ نظریه دورکیم را به این صورت تکمیل می نماید:

فقر به تنهایی یک عامل ثبات بخش است ، اما اگر در مقابل فقر تصویر ثروت و یا آرزوهای بلند پروازانه رفاه ارائه شوند در آن صورت فقر غیر قابل تحمل می شود و در آن صورت رفتارهای انحرافی و نارضایتی اجتماعی رشد می کند.

در ایران به دنبال تجربه خصوصی سازی و تجربه بازار آزاد در فاصله سالهای ۶۸ تا ۷۶ و این نکته مهم که این تجربه امتیازاتی را برای عده ای به ارمغان آورد ، طبقه نو کیسه و نسبتاً بی هویتی با ویژگی های زندگی اشرافی پا گرفتند که نماد تبعیض و تناقض در سالهای پس از جنگ شد . تا آنجا که زمانی روزنامه ها نوشتند ۹۰ درصد ثروت در دست ۱۰ درصد افراد و ۱۰ درصد ثروت در دست ۹۰ درصد مردم است . چنین عدم تعادلی ناگزیر فقر عمومی را گسترش داده و عوارض جانبی چون سرقت و فحشا را به دنبال داشت. از سویی دیگر رواج لوکس گرایی بی پشتوانه که در سالهای اخیر بسیار افزایش پیدا کرده ، می تواند به عنوان یکی از ریشه های این پدیده مطرح گردد . اختلاف طبقاتی موجود در جامعه ایران در کنار اراده ای که برای ایجاد انگیزه در کسب رفاه خاطر اجتماعی تلاش می کند، موجب می شود تا برخی از زنان انگیزه خود را این گونه به عمل تبدیل کنند . البته بحران اشتغال نیز در این میان همچنان همراه علل بروز روسپیگری است . نبود مشاغل مناسب و اختلاف دستمزدها با زندگی بهتر می تواند زنان بسیاری را از دستیابی به کانون خانواده دلسرد کند و آنها را به خیابانها بکشانند.

در کنار فقر اقتصادی، طبقاتی بودن جامعه و نابرابریهای اجتماعی، فقر فرهنگی نیز جایگاه خاصی دارد. رسمها و سنتها و قوانین هر جامعه به عنوان مجموعه ای از ارزشهای فرهنگی آگاهانه یا ناآگاهانه است که از نسل های قبل به نسل های بعد منتقل می شود، مورد احترام، و تجاوز به آنها جرم محسوب می شود. ساترلند معتقد است عوامل قومی، مهاجرت، ناسازگاریهای برخی از گروهها، عدم رشد خرده فرهنگها در بروز جرم موثر می باشد و بزه را مساله ای ناشی از تعارض فرهنگی می شناسد.

تغییراتی که در رویه اجتماعی زنان بوجود آمده به یک معنا مربوط به گذار از سنت به مدرنیته است، اما ویژگی های بومی کشور ما نظیر، فرهنگ، دین و عرف هزینه های آن را سنگین کرده است. هزینه هایی که هم دولت (به معنای حکومت) و هم ملت می بایست به یک اندازه پرداخت نمایند. در کشورهای در حال گذار به علت کم رنگ شدن بعضی از هنجارها و ارزشها و عدم جایگزینی هنجارهای مناسب و یا جایگزینی عادات و هنجارهایی که ریشه در ساخت جامعه ندارد، و یا به درستی تعریف نگشته است جامعه با نوعی تعارضات فرهنگی مواجه می گردد که باعث نوعی تنش بین فرد و جامعه می شود. فرد در مورد آنچه به او در خانواده و مدرسه آموزش داده شده است و آنچه واقعیت جامعه است دچار تعارض شده و این زمینه ساز انحراف وی می گردد در این میان فرهنگ سازی با مدلهایی که متناسب با زمان حال می باشد اهمیت قابل توجه ای دارد. رفتارهای قومی، مهاجرت، زاغه نشینی، از هم پاشیدگی خانوادگی نیز از عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر پدیده روسپیگری می باشند. به عنوان مثال، زنان خیابانی در مشهد که توسط "حنایی" به قتل رسیدند ساکن حاشیه شمالی شهر مشهد بوده اند. جایی که به واسطه حاشیه نشینی و زاغه نشین بودن همواره بزه های گوناگون هستند. "حنایی" که خود ساکن همان منطقه بوده است خود فروشی زنانی که به دست او به قتل رسیده بودند را مشکلات ناشی از زندگی در این مناطق ذکر کرده بود و آنان را در بدترین شرایط اقتصادی و معیشتی می دانست. انبوهی و تراکم جمعیت که از ویژگی های محله ها و زاغه ها است موجب می شود تا فرد نتواند در زندگی داخلی و خصوصی خود مسایل و مشکلات شخصی را بروز دهد ناچار از دیگران پنهان می دارد. از این رو فحشا، اعتیاد و سرقت به طور عجیبی در مکانهای شلوغ شهر رواج دارد، از بین نخواهد رفت مگر اینکه شرایط و عوامل اقتصادی و اجتماعی که موجب پیدایش این مسائل شده، دگرگون و از بین برود. برخی از بیماریهای روانی که "عقده جنسی" به اشکال مختلف در راس آن قرار دارد در پیدایش این آسیب اجتماعی موثر است. عقده هایی که با وجود برخی محرومیتها در سنین ابتدایی بلوغ در روح و روان فرد ریشه می کنند و در مقاطعی خاص از دوره حاد بیماری او را به هر کاری می کشانند.

پس در این میان توجه نکردن به بهداشت و سلامت روانی جامعه ایران، بدون شک نقش بزرگی در رواج پدیده روسپیگری بازی می کند. می توان وجود محدودیت های خاص جامعه ایران را یکی از علل افزایش بیماریهای روانی در میان زنان دانست. نبودن تعادل روانی در میان برخی از زنان و حتی مردان نیز می تواند موجب رواج روسپیگری گردد. فرار دختران از خانه نیز که خود از علل و عوامل فوق سرچشمه می گیرد به نوبه ای در گسترش این پدیده موثر است. اکنون به مدت ۱۰ سال است که مسئله فرار دختران جنبه فوق العاده جدی پیدا کرده است، چرا که از یک طرف در این ۱۰ سال آمار فزاینده ای داشته است و از طرف دیگر نشانگر وجود بحران در عمق روابط خانوادگی است. نوع کنش های متقابل در خانواده یکی از عوامل مهم در بروز این پدیده می باشد. تعداد زیادی از دختران که فرار می کنند متأسفانه در دام افرادی می افتند که با ابراز محبت و دوستی آنها را به خود جذب می کنند و از گرسنگی و بی سرپناهی نجات می دهند و سپس برای انجام جرائمی چون قاچاق مواد مخدر، فحشا و دزدی از آنها استفاده می نمایند. این دختران پس از آلوده شدن به این اعمال یا به تهدید افراد دام گذار اعضا باندهای شکار و یا به دلیل اینکه می دانند از سوی اجتماع مطرود هستند قادر به بازگشت نمی شوند و پس از گذشت ۶-۷ ماه هرکدام تبدیل به یک زن خلافکار حرفه ای می شوند و پس از رها شدن در جامعه هرکدام حداقل چندین نفر دیگر را هم جذب باندهای فحشا و قاچاق می سازند. در نهایت می توان علل و انگیزه های روسپیگری را اینگونه خلاصه نمود:

۱. وابستگی به مادر و فقدان روابط محبت آمیز با پدر
۲. عوامل درونی مانند تنبلی، عدم مهارت در کار، کم هوشی و ضعف مبانی عقلی یا کمی سطح فکر و دانش عمومی
۳. جاه طلبی و داشتن رویاهای شهرت و ثروت و قدرت و عشق به تجمل
۴. جنون یا "عقده روسپیگری"
۵. خشونت والدین و بدرفتاری آنان و دارا بودن خانواده ای از هم پاشیده و عدم توانایی به پرداختن به یک زندگی عادی
۶. فقر، بیکاری و نداشتن درآمد ثابت
۷. سرکوبی شدید و غیر عادی میل جنسی و نیز محرومیت و محدودیت های اجتماعی برای ارضا نیازها
۸. داشتن شوهر و محیط خانوادگی نامناسب و بدی تربیت و نداشتن پدر و مادر شایسته
۹. اختلاف سنی زوجین و عدم توجه شوهر به نیازهای جنسی زن

۱۰. وجود محله های فساد و افراد فاسد در جامعه

۱۱. قرار گرفتن در معرض تجاوز جنسی در دوران کودکی

۱۲. معاشرت با گروههای ناباب و دوستان خلافتکار ( معاشران بد)

۱۳. عدم تطبیق خود با شرایط خانوادگی ، قومی و محله ای

در این میان کارکرد گرایان برای روسپیگری کارکرد روانی و اجتماعی قائل بوده و کارکردهای آن را به شرح زیر می دانند:

۱. روسپیگری استغنائی جنسی افرادی که قادر یا حاضر به همسر گزینی نیستند فراهم می کند

۳. روسپیگری استغنائی جنسی موقت افرادی مانند : جهانگردان ، ملوانان و دیگر کسانی را که دور از خانواده به سر می برند

، تامین می کند

۴. روسپیگری برای کسانی که حاضر یا قادر نیستند نیازهای خود را از طریق مشروع دنبال نمایند ، شرایط نسبتاً مناسبی

محسوب می شود .

به طوری که ملاحظه می شود ، کارکرد گرایان روسپیگری را فقط بر حسب نتایجی که برای کل نظام اجتماعی دارد مورد تحلیل قرار می دهند . اما باید دانست که چنین تحلیلی بخشی از واقعیت های آن را مشخص می کند و مسائل مهمتر دیگری از قبیل علل ساختی و تضادهایی که برای خانواده ها پدید می آورد و موجب از هم پاشیدگی خانواده می شود در این دیدگاه مورد غفلت قرار می گیرد . نوع برخورد و نگرش جامعه نسبت به زنان و دخترانی که به این گروه انحرافی منسوب شده اند نیز حائز اهمیت و دقت نظر می باشد. سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که، جامعه ( اعم از مردم و مسئولان ) چه رفتاری را در رابطه با این افراد اعمال می نمایند؟ مسلماً هر جامعه ای برای همبستگی و همنوایی خود از نوعی مکانیسم های نظارت و کنترل استفاده می نماید . برخورد با هر نوع انحراف با نوعی فشار و مجازات از سوی جامعه همراه است ، هرچند ثابت شده است که رفتار انحرافی در اثر چندین عامل اکتسابی به جود آمده و عامل مجازات تاثیر چندانی در ظهور و ازدیاد و یا تقلیل دائمی آن ندارد و فقط در کوتاه مدت می تواند موثر باشد.

ساترلند می گوید : " یکی از ضعفهای بزرگ روشهای قضایی حاضر ، تکیه مداوم بر تهدید ، بوسیله مجازات کردن برای جلب

نظر مردم برای احترام به قانون است ، در حالی که هیچگاه تا کنون با تهدید و ارباب میسر نشده است کسی قلباً و صمیمانه



و اداری شود تا به آنچه که به زور بر او تحمیل می شود احترام بگذارد " در ایران ، مجازات هایی که در مورد این زنان صورت می گیرد عبارتند از : ۱- اجرای حدود که صد تازیانه را در بر می گیرد ۲- سنگ سار کردن در موارد خاص مسلماً در حال حاضر هیچکدام از این مجازاتها صورت مدنی و انسانی نداشته و از دیدگاه حقوق بشر نوعی خشونت محسوب میگردد و جامعه نیاز مند است تا از روشهای خاص دیگری برای کنترل این پدیده استفاده نماید. در سال های اخیر طرح هایی نیز برای کنترل این عارضه مطرح شده است . خانه های سلامت که پایگاه نگهداری زنان خیابانی و دختران فراری است که هنوز به دایره فساد وارد نشده اند ، همچنین کانونهای اصلاح و تربیت و همچنین رواج ازدواج موقت در جامعه از پیشنهادات دیگر می باشد . آنچه که از شواهد بر می آید این مجازاتها و اقدامات نتیجه مؤثری در بر نداشته و فقط به نوعی سعی در پاک کردن صورت مساله نموده است ؟

بر چسب زدن از سوی مراجع قضایی و امنیتی به زنان و دخترانی که به نوعی با این مساله درگیر شده اند خود می تواند کنترل این مساله را پیچیده تر نماید پس لازم است مسئولان مدیریت اجرایی شایسته و انسانی نسبت به این مساله داشته باشند . در سالهای اخیر از سوی مسئولان به این نکته پرداخته می شود که ازدواج موقت یک راهکار برای برخورد با پدیده زنان خیابانی است ، قطعاً تشویق و ترویج ازدواج موقت به سلامت جامعه کمکی نخواهد نمود ، زیرا در جامعه ایران که نهاد خانواده از تعاریف خاص خود بر خوردار است اگر ما این راه را باز بگذاریم در حقیقت به مساله در شکل جدید رسمیت بخشیده ایم . اگر روسپی گری را فروش تن در مقابل پول بدانیم ، در ازدواج موقت همین امر با پشتوانه قانونی صورت می پذیرد و زمانی بر آن واقع می شود . آیا واقعاً با این روش معضل حل می گردد یا معضلی بر معضلات جامعه اضافه می شود ؟ افزایش زنان و دختران خیابانی ( واقعاً در ایران نهادینه خواهد شد ؟

از آنجاییکه کانالیزه کردن این زنان و دختران در مکانهای خاصی نیز مطابق با ارزشهای سنتی جامعه ما نمی باشد و به هر حال این زنان و دختران مطرود جامعه می باشند بر عهده مسئولان است که با توجه به ساختارهای جامعه با شیوه های روان شناسانه ، جامعه شناسانه ، و اخلاقی به حل این معضل بپردازند و راه حل هایی را ارائه دهند که با توجه به بافت جامعه ایران امکان تحقق آن وجود داشته باشد . مسلماً این نکته حائز اهمیت می باشد که هیچ انحرافی به صورت صد در صد از جامعه ریشه کن نخواهد شد ولی کاهش آن حداقل به صورت معقول ، در حفظ سلامت جامعه موثر است .

تولستوی می گوید: " در روح هر فرد مجرم بارقه ای از نور الهی وجود دارد که ممکن است او را به راه راست هدایت کند " به همین خاطر اصلاح مجرمان به شیوه ای در جریان عادی زندگی اجتماعی قرار گیرند نیز دارای اهمیت است .

درمان بیماریهای اجتماعی بسیار مهم است چون این بیماریها حالت مسری داشته و به سرعت در جامعه تسری می یابند و در زمان کوتاهی در صد زیادی از جامعه را آلوده می سازد و مهمتر از آن پیشگیری از اینگونه بیماریها می باشد ، مسلماً هزینه ای که برای پیشگیری مورد استفاده قرار می گیرد بسیار کمتر از هزینه های درمان خواهد بود.

### جنبه قانونی روسپی گری و انتقادات آن

همه حقوقدانان و متشرعان بر این عقیده هستند که اگر رفتار نابهنجار ناشی از بیماری باشد، قابل مجازات نیست، بنابراین در مواردی که روسپیگری ناشی از بیماری روانی باشد، بر حسب آیه کریمه قرآن «لیس علی المریض حرج» نباید آنها را مجازات کرد و باید به درمان و نگاهداری آنان اقدام نمود، ولی اگر فرد روسپی بیمار روانی نباشد، باید مجازاتهای اسلامی اجرا شود. شخصیت های ضد اجتماعی، در صورت ارتکاب جرم علی القاعده مجازات می شوند، اما مجازات آنها نباید موجب تشدید جرم شود، زیرا برخی از آنها از مجازات لذت می برند و افتخار می کنند که دیگران بدانند که چندین سال زندان بوده اند.

اختلال شخصیت ضد اجتماعی از نظر قانونی، رافع مسئولیت کیفری نیست. البته این گونه افراد از تنبیه نمی ترسند. در مورد مجازات افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی (که اکثر روسپیان به چنین بیماری مبتلا هستند)، اظهار نظر مشکل است، زیرا نقض قوانین به عنوان علامت این نوع شخصیت، می تواند ناشی از علل زیست شناختی، روانی و اجتماعی باشد و برای تشخیص دقیق آن باید از علوم روانپزشکی و جرم شناسی کمک گرفت. در مسئله اعتیاد که اکثر زنان خیابانی به آن مبتلا هستند، فرد رفتار آگاهانه اما غیر مسئولانه دارد و به منظور کسب احساس خوشی ناشی از استعمال مواد مخدر این عمل را انجام می دهد. طرح موضوع بیمار بودن معتادان در ۲-۳ سال اخیر بر تعداد معتادان افزوده است. به نظر می رسد برای مصونیت جامعه و جلوگیری از تکرار جرم، شخصیت ضد اجتماعی را پس از تحمل کیفر هم باید تحت نظر گرفت.

در مطالعه ای که وجود بیماریهای روانی را در زنان خیابانی می‌سنجید، معلوم گردید که ۵۰ درصد آنها دچار اختلالات روانی بارز هستند و نیازمند معالجه می‌باشند. در مجموع می‌توان اظهار داشت در شرایطی که این عمل ناشی از بیماری فرد است، مجازات بیمار از نظر شرعی و پزشکی و انسانی جایز نیست. برای نمونه بیمار مانیک که مرتکب این عمل می‌شود، قابل مجازات نیست. در قانون مجازات اسلامی فرد مجنون از مجازات معاف می‌شود، البته اگر قاضی یا وکیل، نسبت به سلامت روانی مجرم مشکوک شود، مجرم را به پزشکی قانونی می‌فرستد. در ارتکاب جرم برخی افراد میزان پاداش و تنبیه ناشی از چنین فعلی را می‌سنجند. اگر مقدار پاداش (درآمد) ناشی از این عمل، در قیاس با تنبیه آن بیشتر باشد یا آنکه فرد بسنجد که نهایت مجازاتش تا حدی است که در مجموع برای او سودآور است، ارتکاب جرم برایش عادی می‌شود، باید سعی شود آبروی افراد به عنوان سلاخی کارآمد بکار رود تا آنها را بدینوسیله از کار خلاف منع نمود، به طوری که افراد بدانند با ارتکاب جرم ممکن است آبرویشان برود و از موهبت‌های اجتماعی محروم شوند. اما وقتی فرد در ملاء عام مجازات شود و همه آنچه برایش مهم بوده است، از دست بدهد، دیگر نگران از دست دادن آن نیست. البته مجازات‌هایی را که شارع مقدس حکم کرده است که علنی انجام شود، مکلف به اجرا هستیم؛ زیرا مسلماً فلسفه‌ای در این موارد بوده است. اما در مورد سایر مجازات‌ها بهتر است که غیر علنی باشد تا فرد در جهت حفظ آبروی خود بکوشد و از بزهکاری دوباره بپرهیزد، زیرا اگر با اجرای علنی مجازات در همه موارد، مجرم به این نتیجه برسد که آبروی او به کلی از دست رفته است و دیگر چیزی ندارد تا از دست بدهد، در تکرار جرم جری خواهد شد. از سوی دیگر مجازات‌های علنی به جز آنچه صریحاً توسط شارع مقدس حکم شده است، حساسیت جامعه را نسبت به جرم و مجازات از بین می‌برد و این امور را عادی جلوه می‌دهد.

روسپی‌گری در بسیاری از کشورهای جهان یک حرفه قانونی است و از آن بطور قانونی محافظت شده، و برای حفاظت از افراد مشغول به این کار قوانین مفصلی وضع گردیده. جزئیات و حد آزادی این حرفه از مکان و کشور تا کشور دیگر متغیر است.

در کشورهای نیوزیلند، سوئیس، استرالیا، آرژانتین، بلژیک، برزیل، کانادا، اتریش، کاستاریکا، دانمارک، آلمان، ترکیه، ایتالیا، یونان، هلند، و کشورهای دیگر روسپیگری آزاد و تحت پوشش قوانین ویژه‌است. در انگلستان نیز روسپیگری آزاد است، اما تبلیغ آن در اماکن عمومی با قانون منافات دارد. در آمریکا ایالت نوادا تنها ایالت آمریکاست که روسپیگری در آن تا حد معینی آزاد است. اما نقدهایی بنیادین بر این شکل روسپی‌گری وارد است که به دلیل ماهیت رابطه روسپیگری با نظام سرمایه‌داری می‌باشد. برای مثال

در آلمان بر سر تصویب قانون رسمیت روسپیگری بحث‌هایی در گرفت. این مصوبه بر پایه دو استدلال بود: اولاً این که با تصویب این قانون فحشا شغل محسوب شده و به همین خاطر مشمول قانون کار می‌گردد. یعنی زنان تن‌فروش، در آلمان باید قرارداد کار دریافت کنند و از مزایایی مانند بیمه درمانی، بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگی برخوردار شوند. دوماً به رسمیت شناختن تن‌فروشی و تثبیت آن در قانون، موجب می‌شد که تن‌فروشی دیگر به عنوان عملی «منافی عفت» در نظر گرفته نشود. اما منتقدان می‌گویند طبق تخمین سازمان‌های فعال زنان، ۶۰ درصد از زنان تن‌فروش، مهاجران خارجی هستند که حتی اجازه اقامت در آلمان را ندارند، چه رسد به اجازه کار. علاوه بر این، عملاً تنها یک درصد از روسپیان دارای اجازه کار، قرارداد کار دریافت کرده‌اند. همچنین منتقدان می‌گویند سیاست‌مداران آلمان به جای این که امکان خروج زنان از این حوزه را فراهم آورند، با تصویب قانون رسمیت روسپیگری عملاً زنان را محکوم به ادامه این شغل می‌کنند. زیرا با رسمی شدن تن‌فروشی به عنوان شغل، فرد نمی‌تواند به راحتی کار خود را رها کند چرا که براساس قانون کار آلمان، باید کار خود را سه ماه دیگر بعد از اعلام استعفا ادامه دهد و در غیر این صورت، با ترک ناگهانی شغل، قرارداد کار وی لغو شده و حقوق و مزایایش را از دست خواهد داد. همچنین طبق این قانون، می‌توان هر زن بیکاری را برای کار به فاحشه‌خانه‌ها فرستاد زیرا طبق قانون، افرادی که حقوق بیکاری و یا کمک دولتی دریافت می‌کنند حق ندارند از پذیرش کاری امتناع کنند، حتی اگر فاقد تجربه در آن زمینه باشند. سخن دیگر منتقدان این است که قبل از تصویب این قانون، زنان تن‌فروش در آلمان می‌توانستند به پلیس مراجعه کرده و از صاحب فاحشه‌خانه و دلانان شکایت کنند، اما با رسمیت یافتن روسپیگری چنین امکانی وجود ندارد، چرا که داشتن فاحشه‌خانه و یا خرید و فروش زنان، تحت عنوان آژانس کاریابی، قانونی محسوب می‌شود. حتی اگر زنی به اجبار قرارداد کار را امضاء کند، قادر نیست ثابت کند که تحت فشار و تهدید مجبور به تن‌فروشی شده‌است بلکه اکنون این صاحب کار است که می‌تواند از او شکایت کند.

یکی از استدلال‌ها برای تصویب قانون رسمیت روسپیگری آلمان این بود که این شغل دیگر «منافی عفت» محسوب نشود و زنان تن‌فروش جای خود را در اجتماع بیابند. منتقدان می‌گویند در عمل درصد ناچیزی از زنان تن‌فروش پس از تصویب این قانون، مثلاً هنگامی که به دنبال خانه می‌گردند در جواب صاحبخانه که از آنان می‌پرسد شغل شما چیست، پاسخ می‌دهند: تن‌فروش؛ و یا درصد ناچیزی از مادران تن‌فروش، هنگام ثبت نام کودکان خود در مهد کودک و مدرسه حاضرند بگویند که شغلشان تن‌فروشی است.

## نتیجه گیری

در طول تاریخ تجاوز از اصول رفتاری و نادیده گرفتن نرم ها و هنجارهای اجتماعی از سوی افراد یا گروه هایی، از جمله معضلات معمول جوامع بوده است که هر یک از جوامع به میزان ارزیابی و قضاوتشان از این انحراف، با تدابیر فرهنگی، اخلاقی و قضایی در مقام مقابله و اصلاح برآمده‌اند.

مطابق شواهد تاریخی اینگونه انحرافات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، به معنای عدول از فطرت و خصایص انسانی، همواره آفتی جدی بر فرد، خانواده و جامعه وارد کرده است، لیکن علیرغم چنین پیامدهای منفی، گاه تمایل به ارتکاب اعمال خلافی نظیر روسپیگری شدت می‌گیرد که ضرورت دارد، چنین وضعیتی از دیدگاههای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

## منابع:

۱. فلاحتی، علی. روسپیگری و سکوت سنگین قانون. فصلنامه کتتای زنان، شماره ۲۲.
۲. زینتی، علی. انحرافات زنان از عرصه فکر تا ورطه عمل، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۹.



۳. تبریزی، ایرج. تجارت زنان و دختران، فنون معاصر، ۱۳۷۸.
۴. پوشکان، غلامرضا. بررسی پدیده زنان خیابانی، نشر پردیس مهر، ۱۳۸۱.
۵. "حراج زنان"، شهرزاد نیوز، ۲۱ خرداد ۱۳۸۶. بازبینی شده در ۱۸ آذر ۱۳۹۱.
۶. فلاحتی، علی؛ مجله کتاب زنان، شماره ۲۲
۷. ۱- آخوندی، محمود. اثبات جرائم منافی عفت از نگاهی دیگر. فصلنامه کتاب زنان شماره ۲۲
۸. ۱۲- شایگان، فریبا. خودکشی زنان، جرمی خاموش علیه زنان. فصلنامه کتاب زنان شماره ۱۹
۹. ۱۷- هاشمی، احمد. ابهامات سه گانه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان. فصلنامه کتاب زنان شماره ۲۲
۱۰. ۲۷- حجازی قدسیه. (۱۳۵۷). بررسی جرائم زن در ایران. مرکز تحقیقات و انتشارات حقوقی قدس
۱۱. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۳). مبانی جرم‌شناسی جلد اول و دوم. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. ۴۰- مارلین، فرنچ. (۱۳۷۳). جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت تمدن، نشر عملی.
۱۳. ۴۱- معتمدی‌مهر، مهدی. (۱۳۸۰). حمایت از زنان در برابر خشونت (سیاست جنایی انگلستان) نشر برگ زیتون
۱۴. ۴۲- معظمی، شهلا. (۱۳۸۲). فرار دختران چرا. نشر گرایش.
۱۵. ۴۳- موسوی، پدram و سوهانی، فهیمه. (۱۳۸۱). گیسوان در آتش خشونت. نشر اندیشمند.
۱۶. ۴۴- نجم عراقی، منیژه و صالح‌پور و موسوی. (۱۳۸۱). منبع شناسی زنان دو جلد، نشر دیگر.
۱۷. ۴۵- وایت، راب. (۱۳۸۱). در آمدی بر جرم و جرم‌شناسی. ترجمه صدیق بطحایی، نشر دادگستر.